کتاب آسماني از منظر عالم رباني‏

1. اگر کتابي بود که عکس اشيا را نشان مي‏داد، آن کتاب همين قرآن‏است که‏بهشت و جهنم را نشان مي‏دهد. ]در محضر بهجت: 11/1]

2. خدا مي‏داند قرآن براي اهل ايمان - مخصوصاً اگر اهل علم باشند - چه‏معجزه‏ها و کراماتي دارد و چه چيزهايي از آن خواهند ديد! ]در محضر بهجت:55/1]

3. اگر قرآن را به صورت واقعي‏اش ببينيم، آن گاه معلوم مي‏شود که دست ازترنج مي‏شناسيم يا نه! ]در محضر بهجت: 36/1]

4. برنامه قرآن، آخرين برنامه انسان‏سازي است که در اختيار ما گذاشته‏شده است، ولي ما از آن قدرداني نمي‏کنيم! ]در محضر بهجت: 55/1]

5 . اگر به قرآن عمل مي‏کرديم، ديگران را به اسلام و قرآن جذب مي‏نموديم؛زيرا قرآن، جامع کمالات همه انبياي اولوا العزم (عليهم السلام) است. ]درمحضر بهجت: 112/1]

6 . اگر درست به قرآن عمل مي‏کرديم، با عمل خود ديگران را جذب‏مي‏کرديم؛ زيرا مردم غالباً - به جز عدّه معدود - خواهان و طالب نور هستند. ]درمحضر بهجت: 140/1]

7. قرآن، انسان را به غايت کمال انساني مي‏رساند. ما قدردان قرآن و عديل‏آن، اهل بيت (عليهم السلام) نيستيم. ]در محضر بهجت: 227/1]

8 . مدام به قرآن نگاه کردن، دواي درد چشم است. ]در محضر بهجت: 280/1]

9. اگر از قرآن استفاده نمي‏کنيم، براي آن است که يقين ما ضعيف است. ]درمحضر بهجت: 280/1]

10. خدا مي‏داند حفظ قرآن، چه قدر در استفاده از اين معدن و منبع رحمت‏الهي، مدخليّت دارد... ما آن گونه که بايد و شايد از قرآن، استفاده نمي‏کنيم! ]درمحضر بهجت: 114/1]

11. آيه: (وَلَوْ أَنَّ قُرآناً سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْکُلِّمَ بِهِ‏الْمَوْتَي(رعد: 31) : اگر قرآني وجود داشت که به واسطه آن، کوه‏ها سير شود، يازمين به آن پيموده و يا شکافته شود، يا با مردگان سخن گفته شود...) چه‏مي‏گويد؟! آيا امور مذکور در آيه شريفه، فرض محال و غير واقع است؛ يامي‏خواهد بفرمايد: اهلش با اين قرآن، همه اين کارها را مي‏تواند انجام دهند؟!]در محضر بهجت: 281/1]

12. کسي آشنا به قرآن است که زيادتر در آن تدبّر کند؛ مجموعه روايات هم‏مثل قرآن است. ]گوهرهاي حکيمانه: 100]

13. اگر راست مي‏گوييم که قرآن، سلاح است، پس چه احتياج به سلاح‏ديگر؟! ]در محضر بهجت: 14/1]

14. آيا هيچ مي‏دانيم که قرآن، نظير ساير مکتوبات نيست! گويي قرآن،موجودي ربوبيّ از عالم نور و روحاني است که در عالم اجسام و اعراض ظهورکرده است! ]در محضر بهجت: 135/1]

15. بايد به طور يقين بفهميم که نگاه کردن به قرآن، مثل نگاه کردن به سايرکتب نيست! ]در محضر بهجت: 135/1]

16. به هيچ امّت و ملتي چنين قرآني داده نشده که اين همه خواصّ و آثارداشته باشد! نعمت به اين بزرگي به ما داده شده، ولي مثل اين است که اصلاًنداده‏اند، و مثل اين که اين کتاب، مکمّل انسان نيست! ]در محضر بهجت: 136/2]

17. توسل به قرآن و حمل و فهم و قرائت آن، براي نجات عموم مردم - چه‏رسد به خواصّ - مفيد است! ]در محضر بهجت: 150/1]

18. جاي تعجب است که به شخصيت‏ها و سخنان آنها اهميت داده مي‏شودو سخنراني‏هايشان ضبط مي‏شود، اما قرآن که در دست ما است، اين طور نزد ماارزش ندارد! همه مي‏دانيم که درباره قرآن، مقصّريم! ]در محضر بهجت: 282/2]

19. کسي که اين مطلب را که: قرآن، تِبياناً لکل شي‏ء ]بيانگر همه چيز[ است‏دنبال کند، عجايب و غرايب مي‏بيند! ]در محضر بهجت: 297/2]

20. قرآن کتابي است که پيغمبرساز است؛ زيرا پيغمبران دو گونه‏اند: قسم‏اول، پيامبراني هستند که از جانب خداوند به پيامبري تعيين شده‏اند. قسم‏دوم، پيغمبرانِ کمالي، که در اثر ايمان و عمل به دستورات قرآن، به کمالات‏پيامبر نايل مي‏گردند. بنابراين قرآن، پيغمبرانِ کمالي تربيت مي‏کند وپيغمبرساز است. ]در محضر بهجت: 120/1]

21. ما وظيفه داريم که در تعليم، تلاوت و عمل به قرآن کوشش کنيم. ولي ماشبهاي احيا قرآن بر سر مي‏گذاريم؛ و در مقام عمل، آيه‏هاي حجاب، غيبت،کذب، و آيات: (وَيلٌ لِلمُطَفِّفينَ: واي بر کم‏فروشان.) و نيز: (فَلا تَقُل لَهُما اُفٍّ:پس به پدر و مادر، اُف نگو.) همچنين: (وَلا تَمشِ فِي الاَرضِ مَرَحاً: و با ناز و تکبردر روي زمين راه مرو.) و... را زير پا مي‏گذاريم. ]در محضر بهجت: 298/2]